دامگه حادثه



بازنگاهیبهاندیشهجوانمردیدرکوچهوبازار

## فتوتنامه سلمانيها، يادگار هزارههاي تاريخ ايران

ىيوندگاەسلمانىان باجوانمر دان كجاست؟ چیوت میست بین بجواهد دان محاصد : بنا به نوشته مهران افشاری در بخشی از کتاب «فتوتنامه ها و رسائل خاکساریه» باید گفت سلمانی ها تا سده ها همان دلاکان و کارگران حمام بودەانىدواز ايسنرو كار پيرايش مو، كيسە كشىي و کشیدن دندان و حجامت را آنجــام میدادهاند ر رتباط فتوت و جوانمــردی را با حمام و حمامیها از این شعر عطار می شود، دریافت: «بوسعید مهنه در حمام بـود/ قائمـش کافتاد مردی خـام بود... شوخ شـیخ آوردی تا بازوی او/جمع کرد آن جمله بیش روی او… شـــیخ را گفتا بگــوای پاک جان/ تا جوانمردی چه باشــد در جهان… شیخ گفتا شوخ پيش روى آو... ش بنهان کردن اســت/ پیش چشــم خلق نـــاآوردن 

است که در رسائل دستنویس فتیان، سلمانیها بیش از هر صنفی بزرگ داشته شدهاند و پیشه آنها به بت داده شده است. باتوجه به آن که . سلمان فارسی نس سیمیں در جوانمردی جانشین امیرالمومنین (ع) ســــلمان در جوانمردی جانشــین امیرالمومنین (ع) اســـت، بنابراین اهمیت جایگاه ســـلمانیان در میان فتیان بیشتر روشن می شود. جدای از این انتساب افسانهای و داستانی که تقدسی آسـمانی را به کار و جایگاه سُلمانیان میبخشد، باید اشاره کرد بنابر . مانيان با هایمان از دوره صفوی، پیوند س حیدریان روشن می شُود. در میان قلندران حیدری. آنهاکه پیرومریدشان میرقطبالدین حیدر تونی بوده واز صنف سلمانيان، بر اين باور بودهاند كه سنگو تيغ ر و آینه به عنوان ابزار ســلمانیان، از میرقطبالدین به دیگران رسیده است. بر این اساس می توان گفت شاید سلمانیان، بنیان گذار آیین قلندران حیدری بودهاند یاســلمانیان جوانمرددر عصر صفوی بدین طریقت بوسته و خود را به دامان آن انداختهاند. حتّى در نواريخ پساز اين،زمانى كەخاكسار يەاز گسترەفتيان وصوفيه سربرمي آورند، بنابر نوشته مهران افشاري در كتاب فتوت نامه ها و رســائل خاكساريه، شاهديم

ینه جوانمر دی سلمانیان به گذشته های دور تر ساید اکه نمه رتوان بر ایشان بازمی گسردد؛ آن زمانها که نمی توان برایش تاریخیے دقیق منظور داشت. با در نگے کو تاہ در تاریخ و بازنگری منابع و مســـتندات می توان در یافت که روح حاکم بر جامعــه ایران در ادواری طولانی با جوانمردی پیوندی عمیق داشته است.این پدیده، اغلب، اقشار و طبقات جامعه را در گست. ه نظمی معنادار به هم گــ ه می زند. ر در زمانی که بهزادنقاش در دوره تیموریان،نگارهای براساس قصهای از خمسه نظامی نقش میزند و ، هارون خلیفه را در حمام تر سیم می کند، پیوند حمامیان و سلمانیان را با فتیان بازمی تاباند. این پیوند در نگاره اواز سراویل (لباس جوانمردان)، لنگ و ابزار سر تراشی در کنار هم حکایت دارد و قسمتی از تاریخ سلمانیان جوانمرد را به عنوان بخشی از بدنه جامعه، با زبان خود بازمی گوید. با

\_\_\_\_\_\_ که «هر آنکس که به فرقه خاکســار می پیوم ده «هراندس که به قرقه حانسار می پیوست، در ابتدای سلوکاز جانب پیر خود فرمان می یافت که برای مدتی سلمانی و دلاکی را پیشخود کندو شاید باعنایت به دید تحقیر آمیزی که مردم به صاحبان این پیشه هاداشته اند، مقصود پیران خاکسار این نیز بوده است که غرور وخودبینی را در مریدان خودنابودو آنان رامتواضع و خاکسار سازند».

براساس فتوتخامهاى از سلمانيان، سابقه سر تراشى يا سلماني به شيث نبي و ابراهيم (ع) و سپس پيلمبر بزر گوار اســــلام(ص) مي رســد. بر اين اســاس، پس از آن که جبرئیل تاج نور را بر سـر پیامبر گذاشـت و خرقعای از چهار برگ طوبی را بــر دوش آن حضرت نداخت «سر امیرالمومنین(ع) را تراشید به همان طریقه که جبرئیل سـر آن حضرت را تراشـیده بود. آنگاه حضرت امیر المومنین (ع) سر سلمان را تراشیدو

نظر به گذشـــته هایی دور تر باید گفت بر اســاس جهان بینی زر تشـتیان در ایران باستان، اجزای بیجان بدن ناپاک و کثیف در شــمار می آمدند و ی، من می به مرافق می بیراست، گناهکار به شمار می رفت.این باور بعدها به دوران اسلامی به شمار می دعد این و در دوران استلامی شاهدیم که نیز آمد، از این رو در دوران استلامی شاهدیم که پیشه سلمانی حقیر بوده وسلمانی هااز جایگاهی درخور بر خصور دار نبودهانید. از دواج بیا آنان در بر طریز طریار بود. باور عامه حتی تا روز گار قاجاریه به گونهای کراهت داشیته است. اینها اما همه آن چیزی نیست که درباره سلمانی ها می دانیم زیرا این پیشه، در نظر همگان، چنین نمی نمود و کسانی بدان می پر داختند تانیاز هایی را بر طرف کنند؛ بندان هی بر محمد ک میر دینی را بر طرح بهویژه آن که اعضای این صنف، از مقطعی، خود، جوانمردانی به شــمار می آمدند که مورد توجه و احترامعمومبودند.

سنگ و تيغ را به ســـلمان حواله نمود تا سر بعضي از اصحاد . سلّمانيانطبق آدابجوانمر دانه

ستمین عنی دادن جوانمردانه چگونه کارمی کردند طبق این فتوتنامه، بر سلمانیان مانند هر کس که شغل و پیشهای دارد واجب است که روش و طرز کارش راخوب بداند تا اقمه حلال به دست آورد.

سلمانی همچنین بایداز زندگی سلمان فارسی آگاه اشــدو منش خود را بدو نزدیک گرداند؛ آنچنان که سلمان در طریق زندگی خود مورد توجه پیامبر بودو AL. پیلمبراوراچون یکیاز اعضای خانوادهاش میدانست. از زبان پیران و پیشکسو تان سلمانی بر جای ماندهاست کرور کردی که دوازده چیز بر سـلمانی واجب است «ول خدمت پیرواستاد نمودن، دومادب وقواعداین کار رادانستن، سوم داشتن عزت و حرمت نگاه داشتن، چهارم توبه

عطر و طعم خوش وليمه عروسى

ــه در میــان ایرانیـان نیز اه

و نشین هید و بیعت و نسوت بویل متونن پنجم مسلمان پاک پوش باشد، هشتم چون موی کسی را بینداز روی مردی تراشــیدن، نهم کاری را بی طبع کردن، بلکه سر پادشاه و گذارا یکسان تراشیدن، دهم در میان مومن و کافر فرق نمونن، اگر کم.دهند یازیاد، ر نحند، بازدهم شرایط سر اتراشــــدرزا نیکو بداند، ر د..... پار دیم سریت سر بر سیدی را یه و بدند. دوازدهم تیغ را تیز نگاه دارد که آزاری به کس نر ساند، هرچه آزار کند، گناه است». سر په ربر مشتریان سلمانی ها باید آدابی را در وقت مراجعه به سلمانی رعایت می کردند. مشتری باید رو به قبله

ا تلقین و عهد و بیعت و کسوت قبول نمودن، پنج

مینشست برسد زانو و دست بر سینه می گذاشت. انچنان که در آداب تسـبیح اسـت و نیز باید کلمه شهادت بر زبان می راند و سکوت می کرد. بر سلمانی نیز در حین کار چیزهایی واجب بــود؛ او باید موی ســر مشــتری را می مالید و در حین کار نباید زخم سر مسترسی (می دیند به خط سر عربی در بینه ( میتر در سر مشتری ( امی بید، به خط سر و گردن مشتری باید توجه می کرد. سنگ و تیغش را باید می مستو تا کارش را شــروع کند، تر است. است. است. راست پیشمی گرفت و زمانی که تیغ را بُر سـر مشتری می گذاشت باید می گفت بسمالله و بامرالله و سنهالله و الله اکبر. وقتی به سمت چپ سر مشتری م مىرسىيد بايد مى گفت ان شاءالله محلقين رؤسكم و مقصرين لاتخافون. سلماني بايد ترتيب تراشيدن را رعایت می کــرد و موی مــردم را روی تن شــان نمی یخت و موها را باید جمیع و در جایی که پاک بود،دفن می کرد.

- \_ \_ \_ طبــق آنچه ُگفته شــد، ســلمانيان جوانمــرد يا جوانمردان سلمانی، در تاریخ ایران ردپایی پررنگ از خود برجای گذاشتهاند. با دنبال کردن آن می توان بخشی هرچند کوچک از شیوه زندگی و کسبوکار در تاریخ اجتماعی ایران را بهتر دریافت. این تاریخ، در خود نظم و نظامی انسانی و قابل تعمق داشته است و صورت اندیشــه و زندگی مردم را با سرچشمههای اسطورهاى،افسانهاىوتاريخىبازمىتاباند.

> اطعــام نیازمنــدان در س ينتهاء ، اس جایگاهی ویــژه دارد. گوندای از اطعــام با عنوان ولیمه شــناخته میشـود. واژه ولیمـه به معنی بسمان و طناب محبت است، بنابراین دادن بهنوعی بـا نزدیکی و پیوند ناگ

دل های انسان ها همراه است. این پیوندی که با خوردن غذایی ساده در کنار هم شــکل میگیرد، آغازگاهی برای همدلیها و نزدیکی های عیره در عامی بری نشدی در نزدیکی های عمیدق و پر معنای دیگر به شمار می آیــد.اعتقـاد ایرانیــان مســلمان بــه ولیمه بهعنوان سنتی مســتحب و نیک، بنا به سفارش بیامبر(ص) در مراســــم از دواج حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) اســـت. از منظر اسلام «ولیمه و میهمانی، کینه ها را می زدایــد و دل ها را به هم نزدیک می کند؛ مخصوصا اگر دور از تشــریفات و زیاده روی و اسراف باشد، خداوند به همگان بر کت مىدهد و خوشـحالى مومنيـن موجب رضاى او مىشود».

دادن وليمه در پنج مورد سـفارش شده است؛ ی و یب حروب سی مروب سی مرور سی سره سمه است؟ (زدواج، تولید فرزند، ختنه، سی وران، خرید خانه و و فقرا نیز می شود. انجام این سنت نیک، در گفتار امامان شیعه نیز بازتایی بررنگ یافته است؛ بر آن اساس میب میر ویی پررت اساس مسلمانان از افراط در آن به منظور تبلیغ و کسب جایگاهی اجتماعی برحذر شدهاند. امام باقر(ع) در اینباره میفرماید: «اطعام در یک روز،

وليمه در آيين از دواج اعراب خوز ستان؛ عمل به يكى از سنت هاى اسلامى شام عروسي باطعم اطعام نيازمندان

> ولیمه و در روز دوم، احترام و کرامت، ولی چنانچه تداوم پیدا کند مســـَاله ســر از ریــا و خودنمایی درمیآورد» یا وسیلهای برای تبلیغات شخصی و یجاد چهره اجتماعی م



ازدواج در میان اعراب خوزســتان با رسوم س گرد خورده است. آنها به ســنتها بسیار وفادارند و این مراســم در میانشــان رنگ وبویی مذهبی دارد. در ســنت ازدواج، جلســهای بــرای تعیین مهریه بر گزار میشــود کــه با ذکر صلــوات و در برخی جاها با فاتحه ای برای حضرت ابوالفضل (ع) خاتمه می یابسد. قرائست فاتحه، بسرای یادآوری تعهد دو خانواده پسسر و دختر است. ولیمه یا شام عروسی نیز از دیگر سنتهای کهنی است که در میان عربهای ایران اهمیت دارد. ولیمه درواقع سفره گسترانیدهای است که برای جلب دل ها و نزدیکی بیشتر انسانها چه ثروتمند، چه غیر آن در مراسم ازدواج اعراب خوزستان جایگاهی ویژه دارد؛ جایگاهی که با پیوند دختر و پسری جوان و اغاز زندگی آنها معنادار تر می شود و رشته محبت را در میان بسـیاری با آغاز خاطر هانگیز یک زندگی جدید محکم می کند. آن گونه که آنان اعتقاد دارند، بنابر ســفارش پیامبر(ص)، باید در ئىب شامى تدارك بېينندو افزون بر خويشان سايگان، از فقرا و نيازمندان نيز دعوت كنند تاً بر سـر سفره شــان حاضر شــوند. خانواده های ثروتمنــد غذایی بــه نام مفتــح را بــرای ولیمه درنظـر می گیرند و تهیه می کننــد. مفتح، نوعی چلو گوشت است که با گوشــت گوسفند، هویج و یمو، سیبزمینی و فلفلدلمه ای و گوجه، ادویه و برنج درست می شود.

## فتم لب رودخانه دم چــادر محمدرحيم خان، اَب زیادی داشت، رودخانه گل آلود می آمد. هوا امروز ابری و قدری سرد بود وارد سراپرده

**وقتی نیکوکاران پل میسازند** کنار رودخانه پل دلاک افتاده است

بنابر آنچہ از منابع تاریخی دوران صفوی برمیآید، طغیان رود یکی از پدیدہ ھایی است که زندگی مردم قــم را تحت تأثیر قــرار دادہ، شدم، باد شدیدی آمد... بعد باران آمد، بعد هوا افزون بر در خطر انداختن خانسه و اموال آنان، صاف و خوب و ملایم شد». اینها خطوطی اس . استانده و قحطی را نیز موجب که ناصرالدینشــاه قاجار در یکی از سفرهایش است. براساس کتاب «تاریخ ایران در زمان شاه

هنگامی که آواز قواز رودخانه هیر مند شنیده می شود...

مردم چگونه از سیلاب های تاریخی قم رستند دلاكنيكوكار،غريقرودياسازندەپل

قماز قديمى ترين منطقه هاى زيست انسانى در ايران به شمار مى آيد كه در اثر تغيير مسير قم مار حسی برین منصف کرد. به سمت غرب ستایل شده است تغییر مسیر این رود در اثر طفان هایی بوده که در طول زمان کرد. داده است. طفیان رودهای دیگر قم نیز چندباره در دورههای گوناگون تاریخی روایت شده است. کتاب هاومنایع گوناگون تاریخی افزون بر این که به حوادثی اینچنین اشاره کر ددو تبعات مغرب و در دناک این حادثه را مورد توجه قرار داده، به شیوه های جلوگیری از خرابی طغیان ها نیز اشاره کر دهاند. به طور مثال در کتاب «قمنامه» اثر مدر سی طباطبایی آمده است: «رودخانه صفی آباد در شرق قم در قدیم مجرای رود قم بوده و بعداز قرن چهارم هجری برای جلوگیری از خرابی هایی سری می این می این می این در این می این مارز این طفیان آن دو فضل بهار ایجاد می شد، طریق استفاده آن را به گونهای تغییر دادند تات رز زمان جاری شدن سیل قسمتی از آب در سیتر رود دستخنی به میان نیامده است امایی تردید مردم در این تغییر،به طریق همدلانه یکدیگر را یاری کردهاند تا کمترین صدمات پس از جاری شدن سیل

متوجهایشان شود».

دست یاری گر خدا در سیل ۱۰۴۵ هجری

واله قزوینی، قمرود که از کوهستان گلپایگان سرچشمه می گیرد و با گذر از نمکزار قم، به

کنار حـرم حضـرت معصومه(س) میرسـد، عمدتا بــیآب بوده اسـت، تا این که در سـال

های را

\_\_\_\_\_ از حیات خود نشسته باشــد. عاقبت به

سیل بیزینهار یک روز از صباح تا رواح اثر از

آبادانی در آن دیار نگذاشت، طغیان آن بلای ناگهانی و قضای آسـمان دست از گریبان جان مسلمانان برداشت و بعد از آن بر سر تشخیص جا و مکان منازل ویران بـازار دعاوی در میان

رخت اهتمام به ساحت منازل ویسران خود .

پشت سرگذاشتن این حادثه سخت، به زندگی بازگشت؛ با این وصف که تا سالها رنگ و روی گذشته خود را نداشت و از بار سنگین

مردمان گرم گردیده بعد از تمیز و تشــ

. خرابیهای سیل سر شار بود.

بانی عنایت بیغایت ربانی بعد از آن که

۱۰۴۵ هجری بر اثر بارشهای بهاری به یکباره چنان طغیانی میکند

کــه شــهر را از چهار ســو محصـور میکنــد. ســیل

یادشدہ زندگی مردم شہر

نیز بـه کام مرگ کشـاند.

کُسُانی که توانی داشتند، خود را به آســتانه حضرت

معصومه(س) رساندند تا

در پناه باشتند. نبود آب و غذا در آنجا اما گرستگی

شدید پدید آورد و مردم از زندهماندن دست شسته

بوُدُند «القصّه، در موج خیز آن حادثه کســی نبود که دس

کش

۔ را ناہےود کرد و



لردكرزنازرجالانگلیسی

نيز دربار هاين پل مى نويسد

كەقسمتىازجادەقدىم

كاروانروقم به تهران، به

وسیله پلدلاکطیمیشود «و آن پلی سنگی است کهاز

قرارمعلومدلاكسر شناسي

ساخته یا تعمیر کردهاست. می گویندشایداین دلاک در

دستگاهشاهعباسخدمت مینمودهاست»

ىت اميد به آب آن

به قم می نویســد. او از پــل دلاک و تغییر هوای ت؛ پلی که بنایش خن گفته ا مالابهای چندباره رود قرهسو شدہ اس یر قم به تهران باعث شـ ده بود در این لير کاروان و، در دوران

صفوی پلی ساخته شو ری ہی۔ سیر این رودخانه امروزه ه ســـمت جنــوب منحرف ئىدە و پل يادشدە كە بە پل دلاک معروف است، پس از غرقشــدُن دلاکی که قصد عبور از رودخانه را داشـــته، به کوشش نیکوکارانم ساخته شده است. وج ت. وجه تسمیه ایسن پسل نیسز به همین حادثیه بازمی گردد. ماجرای سیاخت پل دلاک

در سفرنامه بروگش مستشـرق آلمانی در دوره ناصرالدينشاه قاجار

ت. او ايسن موضوع را از همين صورت آمده اس زبــان چاپارخانەدار این محل شـــنیده اسـ لرد کرزن از رجال انگلیســی نیز درباره این پل مینویسد که قســمتی از جاده قدیم کاروانرو قم به تهران، به وسیله پل دلاک طی می شود «و آن پلی سنتگی است کـه از قـرار معلوم دلاک سرشناسی ســاخته یا تعمیر کرده است می گویندُ شاید این دلاک در دستگاه شُاهعباس ت مے نمودہ است». با ایس وجود بر خی دیگر بر این گماناند که این پل پیش از زندیــه تخریــب و در ایــن دوران توســط ا . زمانی که ن خان ساخته شده ا او برای قم بارو و خندق بنا کرد، پل دلاک را نیز ساخت. پل دلاک البتــه در دوران قاجار بارها به وسیله طغیان آب رود، تخریب و تعمیر شد.

